

مقتل
مادر شهیده سادات
حضرت فاطمه زهرا علیها السلام

همراه بازنالحال
به ضمیمهٔ چهل حدیث
و چهل حکایت و کرامت از آن حضرت

باقری طاقانکی

سرشناسه	: باقری طالقانکی، سبز علی، ۱۳۴۵ -
عنوان و نام پدیدآور	: مقتل مادر شهیده سادات حضرت فاطمه زهرا (علیها السلام) / باقری طالقانکی
مشخصات نشر	: قم: کوثر کویر، ۱۳۹۴
مشخصات ظاهری	: ۴۴۸ ص.
شابک	: ISBN : 978 - 964 - 8665 - 71 - 0
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا
یادداشت	: کتابنامه: ص ۴۴۵-۴۴۷: همچنین به صورت زیر نویس
عنوان دیگر	: مقتل مادر شهیده سادات حضرت فاطمه زهرا (علیها السلام) همراه با زبانه حال به
موضوع	: ضمیمه چهل حدیث و چهل حکایت و کرامت از آن حضرت
رده بندی کنگره	: فاطمه زهرا (علیها السلام)، ۴۸، قبل از هجرت - ۱۱ ق.
رده بندی دیویی	: ۱۳۹۴ م ۱۷ ب ۲۷ / ۲ BP
شماره کتابشناسی ملی	: ۲۹۷/۱۹۷۳
	: ۴۰۴۴۷۶۱

مقتل مادر شهیده سادات حضرت فاطمه زهرا (علیها السلام)

انتشارات کوثر کویر

محقق: شیخ سبز علی باقری طالقانکی

ناشر: انتشارات کوثر کویر

نوبت چاپ: ششم (اول ناشر)، زمستان ۱۳۹۴

تیراژ: ۳۰۰۰ نسخه

قیمت: ۸۰۰۰ تومان

شابک: ISBN : 978 - 964 - 8665 - 71 - 0 / ۷۸ - ۹۶۴ - ۸۶۶۵ - ۷۱ - ۰۰

کلیه حقوق برای مؤلف محفوظ است

مراکز پخش:

- ◀ قم: مؤلف: تلفن ۰۹۱۲۷۵۱۳۶۵۰
- ◀ قم: خیابان آیت الله مرعشی نجفی، پاساژ قدس، پلاک ۲۸، انتشارات نصایح
- ◀ تلفن ۰۷۸۳۰۶۶۰ - تلففاکس ۷۷۴۶۲۹۱ - همراه ۰۹۱۲۱۵۱۶۰۸۳
- ◀ قم: پخش کوثر، نوروزی، تلفن ۰۹۱۲ ۷۴۷ ۹۰۹۳
- ◀ قم: حرم مطهر، صحن صاحب الزمان (عج)، انتشارات زائر آستانه، تلفن ۷۷۴۲۵۱۹
- ◀ تهران، سه راه آذری، ضلع جنوب شرقی میدان شمشیری، مؤسسه فرهنگی معراج
- ◀ تلفن ۰۶۶۶۳۰۸۷۲
- ◀ مشهد: حرم مطهر، صحن هدایت، انتشارات دانشگاه علوم اسلامی رضوی
- ◀ تلفن ۰۲۲۳۶۸۱۷
- ◀ قم: بلوار بهار، روبروی بل حجتیه، انتشارات نورالزهره (عج)، تلفن ۰۳۷۷۳۹۱۰۶

فهرست مطالب

۲۹	 مقدمه
۳۱	 اما فلسفه‌ی عزاداری برای اهلیت علیه السلام
۳۲	 عظمت پاداش عزاداری برای اهلیت علیه السلام
۳۵	 مطلب اول: مصیبت حضرت زهرا علیها السلام مادر مصائب
۳۶	 مطلب دوم: مسئله‌ی وحدت و مسئله‌ی بیان واقعیات تاریخی
۴۰	 مطلب سوم: تَوَلّی و تَبَرّی و صلوات و لعن
۴۱	 آیات لعن و نفرین
۴۲	 لعن و نفرین در روایات
۴۴	 فلسفه‌ی لعن و نفرین
۴۶	 مطلب چهارم: زیارت عاشورا اوج تَوَلّی و تَبَرّی
۴۹	 مطلب پنجم: ترویج حق و مقابله با باطل با تمام قدرت و امکانات
۵۱	 مطلب ششم: چند نکته درباره‌ی کتاب حاضر

فصل اول

احادیثی در فضیلت و مقام صدیقه کبری فاطمه‌ی زهرا (ع)

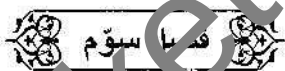
- حدیث اول : ۵۴
- حدیث دوم : ۶۳
- حدیث سوم : ۶۴

فصل دوم

مدائب حضرت صدیقه‌ی کبری (ع)

- شدت علاقه‌ی متقابل میان رسول خدا (ص) و حضرت صدیقه‌ی کبری (ع) ۶۸
- عشق و علاقه‌ی وصف ناپذیر حضرت فاطمه (ع) نسبت به رسول خدا (ص) ۷۲
- حضرت فاطمه (ع) و ساعات غم‌انگیز رحلت رسول خدا (ص) ۷۶
- شدت گریه‌های حضرت فاطمه‌ی زهرا (ع) بعد از رسول خدا (ص) ۸۲
- حمله به خانه‌ی وحی و آتش افروزی و آماج ربات بر پیکر دختر پیغمبر (ص) ۸۷
- در میان ناله‌های حضرت زهرا (ع) و فرزندانش بر حضرت علی (ع) چه گذشت! ۹۱
- شکوه‌های حضرت فاطمه (ع) بعد از رحلت رسول خدا (ص) ۹۶
- وصایای حضرت فاطمه (ع) در بستر شهادت ۹۹
- حضرت فاطمه (ع) در حال احتضار و شهادت ۱۰۷
- مراسم تغسیل و تدفین حضرت صدیقه‌ی طاهره (ع) ۱۱۲
- دستور ابو بکر و پافشاری عمر بر نبش قبر حضرت زهرا (ع) ۱۱۷
- شکوه‌ها و شعله‌ای از آتش دل حضرت امیرالمؤمنین (ع) ۱۲۱

- ۱- شکوه علی علیه السلام از ابوبکر و عصب خلافت ۱۲۱
- ۲- شکوه علی علیه السلام از عمر و ماجرای خلافت ۱۲۲
- ۳- شکوهی حضرت علی علیه السلام از شورای عُمر ۱۲۲
- ۴- شکوهی حضرت -علی علیه السلام از خلافت عثمان ۱۲۳
- ۵- شکوهی حضرت علی علیه السلام از ناکشین و مارقین و قاسطین ۱۲۳
- ۶- در شکوه‌ای دیگر علی علیه السلام آرزوی مرگ می‌کند ۱۲۵
- ۷- شکوهی علی علیه السلام از اُمت هنگام دفن همسرش علیه السلام خطاب به پیامبر صلی الله علیه و آله ۱۲۶
- ۸- امان از دل -مدر!- حضرت علی علیه السلام باز هرایش علیه السلام درد دل می‌کند ۱۲۷
- مصیبت حضرت علی علیه السلام از زبان عمار ۱۲۹



اشعاری جانسوز از حضرت علی و حضرت زهرا علیهما السلام

وبعضی از مراجع و علماء بزرگ

- ۱۳۲ اشعاری جانسوز از حضرت علی علیه السلام در فراق زهرا علیهما السلام
- ۱۳۳ اشعار غم‌انگیز منسوب به حضرت فاطمه علیهما السلام خطاب به حضرت علی علیه السلام
- ۱۳۳ در فراق حضرت رسول الله صلی الله علیه و آله
- ۱۳۵ اشعاری از زبان حضرت صدیقه‌ی کبری علیها السلام
- ۱۳۷ باز هم در فراق رسول الله صلی الله علیه و آله
- ۱۳۹ خطاب به رسول الله صلی الله علیه و آله؛ «باران مصیبت»
- ۱۴۰ مصائب حضرت صدیقه‌ی کبری، فاطمه‌ی زهرا علیهما السلام در اشعار علماء و بزرگان
- ۱۴۰ آتش افروزی بر خانه‌اش

- ۱۴۱ پهلوی شکسته
- ۱۴۲ انتقام خون حضرت فاطمه (ع)
- ۱۴۳ اشعار ادیب هوشمند شیخ صالح کوآز
- ۱۴۶ سروده آیه الله صدر (ره) درباره مصائب حضرت زهرا (ع)
- ۱۴۶ از پهلوی شکسته را از در و دیوار سئوال کن
- ۱۴۷ سروده ای سید صالح حلّی (ره) در مصائب حضرت زهرا (ع)
- ۱۴۷ ای انتقام گنده بشتاب
- ۱۴۹ حضرت زینب (ع) از مادرش مصائب را به ارث بُرد
- ۱۵۰ از مدینه تا کربلا و شام

فصل چهارم

زبان حال حضرت صدیقه کبری (ع)

خطاب به نبی گرامی اسلام (ص) در حضرت امیرالمؤمنین (ع)

و فرزندانش

- ۱۵۶ یادآوری دو مطلب
- ۱۵۶ ۱- زبان حال چیست؟
- ۱۵۷ ۲- مطلب دیگر
- ۱۵۸ زبان حال حضرت زهرا (ع) خطاب به رسول الله (ص)
- ۱۵۸ از علی (ع) کینه داشتند مرا زدند
- ۱۵۹ اجر رسالت
- ۱۶۰ زبان حال حضرت زهرا (ع) خطاب به پیامبر (ص) هنگام بردن علی (ع) به مسجد

۱۶۱	 دیده‌ی اختر
۱۶۲	 رباعی
۱۶۲	 زبان حال حضرت زهرا علیها السلام خطاب به رسول الله صلی الله علیه و آله
۱۶۲	 جای بوسه‌ات سیلی باران شد
۱۶۳	 زبان حال حضرت زهرا علیها السلام خطاب به رسول الله صلی الله علیه و آله
۱۶۳	 یادش بخیر ایام حضورت
۱۶۴	 اجر نبی صلی الله علیه و آله
۱۶۵	 زبان حال حضرت زهرا علیها السلام خطاب به رسول الله صلی الله علیه و آله
۱۶۵	 نگاه غریبانه‌ی علی علیه السلام
۱۶۷	 زبان حال حضرت زهرا علیها السلام خطاب به رسول الله صلی الله علیه و آله
۱۶۷	 از گریه‌ام بهانه می‌گیرند!
۱۶۷	 ضربت مسمار
۱۶۹	 تیغ قنفذ
۱۶۹	 زبان حال حضرت زهرا علیها السلام خطاب به رسول الله صلی الله علیه و آله
۱۶۹	 صدای اذان بلال نمی‌آید
۱۷۰	 موج آتش
۱۷۱	 زبان حال حضرت زهرا علیها السلام خطاب به رسول الله صلی الله علیه و آله
۱۷۱	 سلام بر تو ای پدر
۱۷۲	 یاس پدر پرپر شد
۱۷۳	 روی کی بود اجر نبوت
۱۷۳	 نشان قهرمانی
۱۷۴	 زبان حال حضرت زهرا علیها السلام خطاب به رسول الله صلی الله علیه و آله

- باران مصائب ۱۷۴
- زبان حال کسی که از دور حمله به خانه وحی را می دید ۱۷۴
- نماز عشق در پشت در ۱۷۵
- به جرم علی دوستی ۱۷۵
- زبان حال حضرت زهرا (ع) خطاب به رسول الله (ص) ۱۷۶
- در مسیر احد ۱۷۶
- آنس به در خانه ام ۱۷۷
- خداوند ۱۷۸
- مرا دیدند زیر تازیانه ۱۷۸
- زبان حال حضرت زهرا (ع) خطاب به رسول الله (ص) ۱۷۹
- در مدینه نقشه ی کربلا را می کشید ۱۷۹
- زبان حال حضرت زهرا (ع) خطاب به سیرت علی (ع) ۱۸۱
- خدا حافظ، حلالم کن ۱۸۱
- جواب علی (ع) به زبان حال ۱۸۱
- کشتی صبر علی (ع) ۱۸۲
- زبان حال حضرت زهرا (ع) خطاب به حضرت علی (ع) ۱۸۲
- نگاه های آخر ۱۸۲
- علی (ع) به زبان حال پاسخ می دهد ۱۸۳
- زبان حال حضرت زهرا (ع) خطاب به حضرت علی (ع) ۱۸۳
- سلام فاطمه (ع) بر علی (ع) ۱۸۳
- مدح حضرت علی (ع) ۱۸۴
- جواب به سلام حضرت فاطمه (ع) با زبان حال حضرت امیرالمؤمنین (ع) ۱۸۴

- زبان حال حضرت زهرا علیها السلام خطاب به حضرت علی علیه السلام ۱۸۶
- مینخ در و داغ علی علیه السلام ۱۸۶
- کفن چگونه بیوشم تو را؟ ۱۸۷
- زبان حال حضرت زهرا علیها السلام خطاب به حضرت علی علیه السلام ۱۸۸
- علی علیه السلام و آوار بجا مانده از فاطمه علیها السلام ۱۸۸
- غم تنهایی علی علیه السلام ۱۸۹
- جواب امیرالمؤمنین علیه السلام به زهرایش علیها السلام به زبان حال ۱۹۰
- زبان حال حضرت زهرا علیها السلام خطاب به حضرت علی علیه السلام ۱۹۰
- جان من و جان یتیمانم ۱۹۰
- غمهای تازه علی علیه السلام ۱۹۱
- ختم مادر کنار خانه ۱۹۱
- زبان حال امیرالمؤمنین علیه السلام ۱۹۲
- زبان حال حضرت زهرا علیها السلام خطاب به حضرت علی علیه السلام ۱۹۳
- جان من و جان زینب علیها السلام ۱۹۳
- رباعی ۱۹۴
- زبان حال حضرت زهرا علیها السلام خطاب به حضرت علی علیه السلام ۱۹۴
- شبهات کنار قبرم بیا ۱۹۴
- پاسخ امیرالمؤمنین علیه السلام خطاب به زهرایش علیها السلام ۱۹۴
- رباعی ۱۹۵
- زبان حال بیننده عارف ۱۹۵
- مردی غریب کنار قبری غریب ۱۹۵
- زمزمه‌ی حال این مرد غریب ۱۹۶

- ۱۹۶ رباعی
- ۱۹۶ زبان حال زهرا (ع) خطاب به علی (ع) هنگام غسل بدن مجروح
- ۱۹۷ فدایی ولایت
- ۱۹۷ پاسخ علی (ع) به زهرا (ع) خطاب به زبان حال
- ۱۹۸ سبیل بهلوی شکسته
- ۱۹۸ رباعی
- ۱۹۹ دست لعل علی (ع)
- ۱۹۹ رباعی
- ۱۹۹ زبان حال حضرت زهرا (ع) خطاب به حضرت علی (ع)
- ۱۹۹ نگاه بر بدن زخمی ام کن
- ۲۰۰ مدال روی سینه
- ۲۰۰ زبان حال حضرت زهرا (ع) خطاب به حضرت علی (ع)
- ۲۰۰ زخم بدنم را مخفی کن از کودکانم
- ۲۰۱ سبیلی و لگد میان کوچه
- ۲۰۲ گواهی کوچه در روز قیامت
- ۲۰۲ زبان حال حضرت زهرا (ع) خطاب به حضرت علی (ع)
- ۲۰۲ سبیلی میان خانه و بین کوچه
- ۲۰۳ پاسخ امیرالمؤمنین (ع) به زهرا (ع) خطاب به زبان حال
- ۲۰۴ زبان حال حضرت علی (ع) خطاب به حضرت زهرا (ع)
- ۲۰۴ زهرا مرو!
- ۲۰۵ ای کبود نیمه جانم!
- ۲۰۵ ای آخرین رکن علی!

۲۰۶	زبان حال حضرت زهرا علیها السلام با غریب مدینه امام حسن علیه السلام
۲۰۶	همسفر کوچه سیلی
۲۰۶	پاسخ امام مجتبی علیه السلام به مادر علیها السلام با زبان حال
۲۰۷	صدای ناله‌ی مادر
۲۰۷	زبان حال حضرت زهرا علیها السلام خطاب به امام حسن علیه السلام
۲۰۷	تیرهای زخم زبان
۲۰۸	پاسخ امام مجتبی علیه السلام به مادر علیها السلام با زبان حال
۲۰۹	آتش زبانه می‌زد
۲۱۰	زبان حال حضرت زهرا علیها السلام خطاب به امام حسن علیه السلام
۲۱۰	سلام بر حنتم، سلام بر غریب مدینه
۲۱۱	جواب امام حسن علیه السلام به سلام‌های مادر علیها السلام به زبان حال
۲۱۲	سفره دار مدینه
۲۱۳	زبان حال حضرت زهرا علیها السلام در غربت امام حسن علیه السلام
۲۱۳	آهنگ غم
۲۱۴	کیوتر دو حرم
۲۱۵	زبان حال حضرت زهرا علیها السلام در مظلومیت امام حسن علیه السلام
۲۱۶	سردارِ صفین
۲۱۷	زبان حال حضرت زهرا علیها السلام خطاب به حسین عزیزش علیه السلام
۲۱۷	نگاهم از مدینه به کربلاست
۲۱۹	زبان حال حضرت زهرا علیها السلام خطاب به حسین عزیزش علیه السلام
۲۱۹	با نگاهت سؤال پیچم نکن
۲۲۰	رازگریه

- ۲۲۰ اقتدا به مادر
- ۲۲۱ زبان حال حضرت زهرا (ع) خطاب به حسین عزیزش (ع)
- ۲۲۱ بیا تا که از اخبار صحیفه ام گویم
- ۲۲۱ اخبار کربلا
- ۲۲۲ اخبار کربلا
- ۲۲۲ ربانی
- ۲۲۳ زبان حال حضرت زهرا (ع) خطاب به حسین عزیزش (ع)
- ۲۲۳ بوسه بر این
- ۲۲۴ مادر کنار قتلگاه
- ۲۲۴ زبان حال حضرت زهرا (ع) خطاب به حسین عزیزش (ع)
- ۲۲۴ اگر در کوچه رنگ از رخ برآورد
- ۲۲۵ زمزمه‌ی زبان حال امام حسن (ع)
- ۲۲۵ زبان حال حضرت زهرا (ع) خطاب به امام حسین (ع)
- ۲۲۵ سلام مادر به فرزند عزیزش حسین (ع)
- ۲۲۶ جواب حضرت اباعبدالله (ع) به سلامهای مادر (ع) با زبان حال
- ۲۲۸ زبان حال حضرت زهرا (ع) با زینب کوچکش (ع)
- ۲۲۸ دختر را آماده می‌کند
- ۲۲۹ زبان حال حضرت زهرا (ع) خطاب به زینب عزیزش (ع)
- ۲۲۹ ماجراهای مدینه را از مادر می‌رس
- ۲۳۱ زبان حال حضرت زهرا (ع) با زینب عزیزش (ع)
- ۲۳۲ جواب زینب کبری (ع) به مادر با زبان حال
- ۲۳۲ گل خضاب

- ۲۳۲ رباعی
- ۲۳۳ آه زینب علیه السلام در آستانه‌ی در
- زبان حال حضرت زهرا علیه السلام در ایام کودکی با مادرش حضرت خدیجه علیه السلام
- ۲۳۳ پس از رحلت مادر
- ۲۳۳ شهر مکه سراغ مادرم خدیجه علیه السلام را می‌گیرد
- زبان حال حضرت زهرا علیه السلام در ایام کودکی با مادرش حضرت خدیجه علیه السلام
- ۲۳۴ پس از رحلت مادر
- ۲۳۴ مادرم خدیجه علیه السلام در شعبه‌ی ابی طالب
- زبان حال حضرت زهرا علیه السلام در ایام کودکی با مادرش حضرت خدیجه علیه السلام
- ۲۳۵ پس از رحلت مادر
- ۲۳۵ جای مادرم خدیجه علیه السلام خالی است
- زبان حال حضرت زهرا علیه السلام در ایام کودکی با مادرش حضرت خدیجه علیه السلام
- ۲۳۶ پس از رحلت مادر
- ۲۳۶ نام خدیجه علیه السلام و اشک پدر
- ۲۳۷ زبان حال خدیجه علیه السلام خطاب به زهرا علیه السلام عزیزش
- ۲۳۷ ای کاش به جای تو مرا می‌زدند
- ۲۳۹ میخ در
- ۲۳۹ وصیت حضرت خدیجه علیه السلام به اسماء با زبان حال
- ۲۴۰ زبان حال حضرت زهرا علیه السلام
- ۲۴۰ خطاب به دختر کوچکترش ام‌کلثوم علیه السلام
- ۲۴۰ جواب ام‌کلثوم علیه السلام کوچک به مادر علیه السلام با زبان حال

- ۲۴۲ زبان حال ام‌کلثوم (ع) کوچک خطاب به مادرش (ع)
- ۲۴۲ چرا به خانه‌ی ما حمله کردند
- ۲۴۳ نگاههای آخر مادر
- ۲۴۳ جواب مادر به دختر
- ۲۴۴ زبان حال حضرت زهرا (ع) خطاب به ام‌کلثوم کوچکش (ع)
- ۲۴۴ مادر از بستر بر نمی‌خیزد دیگر
- ۲۴۴ زبان حال حضرت ام‌کلثوم کوچک (ع) با مادر
- ۲۴۵ زبان حال حضرت ام‌کلثوم (ع) خطاب به ام‌کلثوم کوچکش (ع)
- ۲۴۵ گریه‌ها در پیش دای
- ۲۴۶ زبان حال ام‌کلثوم کوچک (ع)
- ۲۴۷ زبان حال ام‌کلثوم (ع) کوچک بعد از بهانه مادر (ع)
- ۲۴۸ زبان حال شیعیان حضرت علی (ع) خطاب به مادر شیعیان حضرت زهرا (ع)
- ۲۴۸ مقدمه
- ۲۴۸ چند قسمت از بدن مادرمان کبود و سیاه شد
- ۲۴۹ ماتمکده‌ی غم
- ۲۴۹ رباعی
- ۲۵۰ زبان حال مادر شیعیان (ع) در مسیر مدینه تا احد
- ۲۵۰ خطاب به حضرت حمزه (ع)
- ۲۵۱ زبان حال شیعیان حضرت علی (ع) خطاب به مادر شیعیان حضرت زهرا (ع)
- ۲۵۱ کار در خانه با پهلوی شکسته
- ۲۵۲ بوی اشک و آه

۲۵۲	رباعی
۲۵۳	زبان حال شیعیان حضرت علی علیه السلام خطاب به مادر شیعیان حضرت زهرا علیها السلام
۲۵۳	وقتی سیلی زد چه اتفاقی افتاد؟
۲۵۳	بستر مادر ما
۲۵۴	زبان حال حضرت زهرا علیها السلام به شیعیان در طول تاریخ
۲۵۴	گوشه‌ای از مصائب ما را می‌دانید!
۲۵۵	با وفایم چون خدیجه علیها السلام
۲۵۵	زبان حال حضرت زهرا علیها السلام خطاب به شیعیان در طول تاریخ
۲۵۵	آتش شعله‌ور گردید
۲۵۷	لاله از سینه گل
۲۵۷	نوای فاطمی‌ام
۲۵۸	زبان حال حضرت زهرا علیها السلام خطاب به شیعیان در طول تاریخ
۲۵۸	اشکم از دیده شیعیان جاری می‌گردد
۲۵۹	فاطمه علیها السلام سیر رهبرش
۲۵۹	قدرت سیلی
۲۶۰	شب شهادت
۲۶۱	زبان حال حضرت زهرا علیها السلام خطاب به شیعیان در طول تاریخ
۲۶۱	در شب شهادتم بر کو دکانم چه گذشت
۲۶۲	شب شهادت
۲۶۲	وداع با مادر
۲۶۳	تشیع غریبانه

- ۲۶۳ شب شهادت
- ۲۶۴ وداع با مادر
- ۲۶۵ زیان حال حضرت زهرا علیها السلام خطاب به شیعیان در طول تاریخ
- ۲۶۵ ایام فاطمیه را پاس بدارید
- ۲۶۶ فاطمیه محور سنلی
- ۲۶۷ عیت فاطمیه
- ۲۶۸ زیان حال حضرت زهرا علیها السلام خطاب به شیعیان در طول تاریخ
- ۲۶۸ فاطمه یعنی مقابل کفر و ایمان
- ۲۶۹ هنوز فاطمه علیها السلام
- ۲۷۰ فاطمیه محور ایام
- ۲۷۱ در شب غسل و تشییع جنازه زینب
- ۲۷۱ مادر شهیده سادات علیها السلام بر حضرت علی علیه السلام چه گذشت؟!
- ۲۷۲ مردی غریب
- ۲۷۲ شستشوی بدن زخمی
- ۲۷۲ شب قتل علی علیه السلام
- ۲۷۳ تنها صدای آب
- ۲۷۳ زیان حال حضرت علی علیه السلام
- آرزومندان شرکت در تشییع پیکر مطهر زهرا علیها السلام در شب شهادتش بلند و با
- ۲۷۴ صدا گریه نمایند.
- ۲۷۵ گریه با صدای بلند
- ۲۷۶ ایام فاطمیه با امام زمان «عجل الله تعالی فرجه الشریف»
- ۲۷۶ رخصت ورود

۲۷۶	غمگینِ مادر
۲۷۷	متم مهدی شبیه مادرم زهرا علیها السلام
۲۷۷	عالم فدای سوزِ آه تو
۲۷۸	زبان حال امام زمان (عج)
۲۸۰	خدا حافظی با امام زمان علیهم السلام
۲۸۰	در پایان امام فاطمه

فصل پنجم

پاسخ به چهار سؤال مهم

سؤال اول:	حضرت فاطمه زهرا علیها السلام چند مرتبه و توسط چه کسانی مورد
۲۸۲	ضربه های بی رحمانه قرار گرفت؟
۲۸۲	پاسخ اجمالی
۲۸۳	مرتبه ی اول: ضربه ی عمر بر شکم حضرت زهرا علیها السلام
۲۸۳	مرتبه ی دوم: عمر با لگد به سینه ی حضرت زهرا علیها السلام زد
۲۸۴	مرتبه ی سوم: عمر در بین راه با سیلی به صورت حضرت زهرا علیها السلام
۲۸۴	مرتبه ی چهارم: عمر در میان خانه ی حضرت زهرا علیها السلام آن حضرت را سیلی به
۲۸۵	ساخت.
۲۸۵	مرتبه ی پنجم: عمر با تازیانه به بازوی حضرت زهرا علیها السلام زد.
۲۸۵	مرتبه ی ششم: عمر با لگد به در زد و در راه آن حضرت کوبید.
۲۸۶	مرتبه ی هفتم: عمر حضرت زهرا علیها السلام را بین در و دیوار چنان فشار داد که میخ در بر
	سینه ی آن حضرت فرو رفت.

- مرتبه‌ی هشتم: عمر با شمشیر در حالی که در غلاف بود بر پهلوی حضرت فاطمه‌ی زهرا (ع) زد. ۲۸۷
- مرتبه‌ی نهم: عمر با غلاف شمشیر بقدری بر شانه‌ی حضرت زهرا (ع) زد که زخم گردید. ۲۸۸
- مرتبه‌ی دهم: قنفذ ملعون با تازیانه بر بازوی حضرت زهرا (ع) زد. ۲۸۸
- مرتبه‌ی یازدهم: قنفذ ملعون بدستور عمر پشت و پهلوی حضرت زهرا (ع) را تازیانه باران کرد. ۲۸۹
- مرتبه‌ی دوازدهم: قنفذ لعین، پهلوی حضرت زهرا (ع) را می‌شکند. ۲۹۰
- مرتبه‌ی سیزدهم: مغیره بن شعبه (لعنة الله عليه) حضرت فاطمه‌ی زهرا (ع) را بقدری زد که آن حضرت خون ال‌دگر دید. ۲۹۰
- مرتبه‌ی چهاردهم: قنفذ ملعون عمر با غلاف شمشیر حضرت زهرا (ع) را مضروب ساخت. ۲۹۱
- سؤال دوم: در طی دفعات مکرری که حضرت زهرا (ع) مضروب گردیدند، چند ضربه بر بدن نازنین آن حضرت وارد ساختند؟ ۲۹۲
- اما تعابیر درباره‌ی ضربات قنفذ ملعون ۲۹۵
- اما درباره‌ی ضربات مغیره بن شعبه ۲۹۶
- خلاصه‌ی جواب سؤال دوم مبنی بر اینکه چند ضربه بر بدن آن حضرت زهرا (ع) وارد شد چنین است. ۲۹۷
- سؤال سوم: قاتل حضرت زهرا (ع) و محسن شش ماهه‌اش (ع) چه کسی یا چه کسانی می‌باشند؟ ۲۹۸
- سؤال چهارم: نقش ابوبکر در به شهادت رسانیدن حضرت زهرا (ع) چیست؟ ۲۹۹

فصل ششم

نکات کوتاه مقتلی و تاریخی

- حضرت زهرا علیها السلام روز غدیر را یاد آوری می کند ۳۰۲
- حضرت امام جواد علیه السلام در کودکی و آه از غصه‌ی مادرش فاطمه علیها السلام ۳۰۳
- حضرت امام صادق علیه السلام با شنیدن نام مادر آه می کشد! ۳۰۳
- پاداش عمر به قنفذ ۳۰۴
- حضرت زهرا علیها السلام در حاکم عمر نفرین کرد که خدا شکمت را پاره کند ۳۰۵
- فقط استخوانم باقی ماند ۳۰۵
- استدلالی زشت برای غصب فدک ۳۰۶
- منکر ارث ادعای ارث می کند!! ۳۰۸
- دشمن اهل بیت علیهم السلام یهودی محصور می شد ۳۰۸
- عایشه در عزاداری حضرت زهرا علیها السلام حاضر نشد ۳۰۹
- حضرت علی علیه السلام گریان کنار قبر زهرا علیها السلام ۳۱۰
- مجازات قاتل محسن شش ماهه علیه السلام در قیامت ۳۱۰
- سرپوش بر واقعیات!! ۳۱۱
- حضرت پیامبر صورت فاطمه اش را به حضرت علی نشان داد!! ۳۱۲
- نگاهی غم زدا و نگاهی غم افزا!! ۳۱۲
- گریه‌ی حضرت زهرا علیها السلام در ساعات آخر ۳۱۳
- گریه‌ی رسول خدا صلی الله علیه و آله در ساعات آخر ۳۱۴
- حضرت زهرا علیها السلام شبیه ترین مردم به رسول خدا صلی الله علیه و آله ۳۱۴
- ذکر مصیبت حضرت علی اکبر علیه السلام ۳۱۶
- سوگواری حضرت فاطمه علیها السلام در اربعین ۳۱۸

- بی‌اعتنائی حضرت زهرا (ع) به منکر عظمت ثواب گریه بر امام حسین (ع) ۳۲۰
- غمگینی حضرت امام زمان (عج) در شب غدیر!! ۳۲۲
- مصیبت مدینه بزرگترین مصائب است ۳۲۲
- رسول خدا (ص) در صبحگاهان ۳۲۳
- ترجمه‌ی گوشه‌ای از خطبه‌ی حضرت زهرا (ع) ۳۲۴
- گوشه‌ای دیگر از سخنان حضرت زهرا (ع) ۳۲۶
- امام باقر (ع) و توسل به نام حضرت فاطمه (ع) ۳۲۸
- اسمیال حضرت زهرا (ع) از حضرت علی (ع) ۳۲۹
- گفتار رسیده به امر هنگام بیعت اجباری ۳۲۹
- گفتار سلمان (ع) با امر هنگام بیعت اجباری ۳۳۰
- ممنوعیت ملاقات با بکر (ع) با حضرت زهرا (ع) ۳۳۱
- تحلیل شهید مطهری (ره) از امر با بکر و عمر برای عیادت ۳۳۵
- تحلیل زید پسر امام سجاده (ع) از غصب خلافت ۳۳۶
- داستان بشار و گریه‌ی شدید حضرت امام صادق (ع) ۳۳۶
- حضرت علی (ع) و حضرت زهرا (ع) تنها مرد و زن محرومند ۳۳۷
- بی‌تابی حضرت امام حسن (ع) در سوگ مادر ۳۳۷

فصل هفتم

چهل حکایت و کرامت از حضرت زهرا (ع)

۱. استفاده دائمی از بوی خوش ۳۴۰
۲. تهیه عطر برای شب عروسی حضرت فاطمه (ع) ۳۴۰
۳. علم حضرت زهرا (ع) به گذشته و آینده ۳۴۱

۴. از زبان حضرت علی علیه السلام ۳۴۳
۵. چگونگی ولادت حضرت زهرا علیها السلام ۳۴۴
۶. مهریه حضرت فاطمه علیها السلام شفاعت از گنهکاران ۳۴۷
۷. چهار حضرت فاطمه علیها السلام در عرش خدا ۳۴۹
۸. خانه حضرت زهرا علیها السلام ۳۵۰
۹. درختان نر از ملحفه حضرت فاطمه علیها السلام ۳۵۱
۱۰. نفرین حضرت فاطمه علیها السلام بر دشمن حضرت امام حسین علیه السلام ۳۵۲
۱۱. نتیجهی توسل به حضرت فاطمه علیها السلام ۳۵۴
۱۲. نجات فرزندان بنا ۳۵۶
۱۳. کرامتی از حضرت فاطمه علیها السلام ۳۵۸
۱۴. توسل حضرت زکریا علیه السلام به حضرت فاطمه علیها السلام ۳۶۰
۱۵. باز شدن قفل با نام حضرت فاطمه علیها السلام ۳۶۲
۱۶. حجله‌ی عبادت ۳۶۳
۱۷. نفرین حضرت زهرا علیها السلام بر عمر ۳۶۳
۱۸. توصیه‌ی امام زمان (عج) به تسبیحات حضرت فاطمه علیها السلام ۳۶۴
۱۹. حضرت فاطمه علیها السلام، سبب خلقت آدم ابوالبشر علیه السلام ۳۶۵
۲۰. تشبیه حضرت فاطمه علیها السلام به ستاره‌ی زهره ۳۶۶
۲۱. رؤیای آیه الله فیروز آبادی (ره) ۳۶۷
۲۲. ای فاطمه بپلو شکسته! ۳۶۸
۲۳. غذای با برکت ۳۷۰
۲۴. وجود حضرت فاطمه علیها السلام از نور خدا ۳۷۱
۲۵. سوگواری در کنار نهر ۳۷۳

۲۶. بازگویی سخنان حضرت پیامبر ﷺ نزد حضرت فاطمه ۳۷۴
۲۷. پیراهن شب عروسی ۳۷۵
۲۸. حضرت مهدی ﷺ از نسل حضرت فاطمه است ۳۷۶
۲۹. نور افشانی حضرت فاطمه ﷺ در تمام خانه‌های مکه ۳۷۷
۳۰. شفاعت گسترده حضرت زهرا ﷺ در قیامت ۳۷۸
۳۱. صلوات و درود بر حضرت فاطمه ﷺ ۳۷۹
۳۲. داستان میخ در خانه‌ی حضرت زهرا ﷺ ۳۸۰
۳۳. ششف جیب ۳۸۱
۳۴. شفاعت حضرت فاطمه ﷺ ۳۸۶
۳۵. فضائل حضرت زهرا ﷺ در قیامت ۳۸۸
۳۶. عنایت حضرت زهرا ﷺ به سادات ۳۹۰
۳۷. انعقاد نطفه‌ی حضرت زهرا ﷺ با تشریفاتی الهی و خاص ۳۹۲
- خاطره‌ی آن شب از زبان حضرت خدیجه ﷺ ۳۹۴
۳۸. سیب آسمانی ۳۹۶
۳۹. مُصحف حضرت فاطمه ﷺ ۳۹۷

فصل هشتم

چهل حدیث از حضرت زهرا

۱. ارزش اهل بیت و امامان ۴۰۲
۲. نقش تربیتی پیامبر ﷺ و امام ۴۰۲
۳. یادآوری حدیث غدیر و حدیث منزلت ۴۰۳

۴. بهداشت دست ۴۰۴
۵. مهمان نوازی حضرت فاطمه علیها السلام ۴۰۴
۶. خودگذشتگی و ایثار حضرت فاطمه علیها السلام ۴۰۵
۷. دعای بعد از ظهر روز جمعه ۴۰۶
۸. آنچه برای زنان نیکوست ۴۰۶
۹. ساده پرسی ۴۰۷
۱۰. آگاهی جابر از برخی مطالب صحیفه ۴۰۸
۱۱. فدک، حق الهی حضرت فاطمه علیها السلام ۴۰۹
۱۲. فضیلت قرائت بعضی از سوره های قرآن ۴۱۰
۱۳. اعتصاب سخن با ابوبکر و عمر ۴۱۰
۱۴. پیمان شکنان حق نماز بر من دارند ۴۱۱
۱۵. مشکلات شدید اقتصادی ۴۱۱
۱۶. مقام مادر ۴۱۲
۱۷. حدیث ثقلین ۴۱۲
۱۸. دعای نور ۴۱۳
۱۹. دعای رفع اندوه و غم ۴۱۵
۲۰. ما وسیله ای خدا در بین مخلوقاتیم ۴۱۶
۲۱. از بخل دوری کنید! ۴۱۷
۲۲. اخبار از آینده ۴۱۸
۲۳. ثواب سلام فرستادن بر حضرت زهرا علیها السلام ۴۱۸
۲۴. کیفر سبک شمردن نماز ۴۱۹
۲۵. حدیثی از دفتر مخصوص حضرت زهرا علیها السلام ... ۴۲۱

۲۶. دعای حضرت رسول (ص) برای اهل بیت (ع) ۴۲۲
۲۷. بشارت رسول خدا (ص) ۴۲۲
۲۸. وقالت (ع) في جواب ام سلمة (ع) اذ قالت لها ۴۲۳
۲۹. نام بردن دوازده امام (ع) ۴۲۴
۳۰. لوحی نورانی ۴۲۶
۳۱. علی (ع) عالم ترین مردم ۴۲۷
۳۱. حدیث معراج و انواع عذاب برای زنها ۴۲۷
۳۲. اتمام بسبب قدر ۴۳۱
۳۳. بدترین اهل بیت (ع) ۴۳۱
۳۴. تصریح بر امامت علی (ع) ۴۳۲
۳۵. تصریح بر امامت امام حسن (ع) و نه فرزندش (ع) ۴۳۲
۳۶. حب آل محمد (ع) ۴۳۳
۳۷. ارزشهای حضرت امام علی (ع) از زبان حضرت زهرا (ع) ۴۳۴
۳۸. صفات شیعیان و پیروان اهل بیت (ع) ۴۳۴
۳۹. اگر درباره ی امامت تسلیم دستور الهی می شد ۴۳۶
۴۰. حدیث کساء ۴۳۶
- فهرست منابع ۴۴۵
- منابع اشعار مرثیه ۴۴۷

مقدمه

در مقدمه‌ی کتاب حدیثات آنچه در مرحله‌ی اوّل، تذکر بر آن لازم است مسأله‌ی فلسفه‌ی اهتمام و افشاری معصومین علیهم‌السلام و به تبعیت از آنان، علماء و بزرگان دین، برانجام و برپایی مجالس سوگواری و اقامه‌ی عزّا برای اهل بیت علیهم‌السلام و شهدای آن می‌باشد، که با روشن شدن فلسفه‌ی این تأکیدات فراوان در برپایی این مجالس، فلسفه و نقش قلم زدن و سخن گفتن، در این باره نیز روشن خواهد گردید. قبل از پرداختن به این مسأله به چند نمونه از بیانات تأکیدات معصومین علیهم‌السلام درباره‌ی اهمیت سوگواری و مدیحه سرایی و سرودن شعر برای اهل بیت علیهم‌السلام اشاره می‌شود.

از رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم چنین نقل شده است: «مؤمن با شمشیر و زبانش با هر دو» جهاد می‌کند، و سوگند به خدایی که جانم در دست اوست. شعر آنان (شاعران) بمثابة تیری است که به طرف دشمن، نشانه رفته است.^۱ و نیز از رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم نقل شده است که خطاب به شعرای زمان

۱. مجمع البیان ج ۷ ص ۲۰۷ و نور الثقلین ج ۴ ص ۷۰ طبق نقل نخل میثم ج ۱ ص ۱۲.

خود فرمود: با شعر خود، دشمن را در معرض هجو قرار دهید! براستی که مؤمن با جان و مال خود جهاد می‌کند سوگند به خدایی که جانِ محمد (ص) در دست اوست، شعر شما مانند تیری است که بسوی دشمن رها می‌گردد.^۱

و نیز آن حضرت خطاب به حسان بن ثابت (از شعرای زمان خویش) می‌فرماید: «تو مؤید به (دم) روح القدسِ مادامی که ما را با زبان خود یاس می‌کنی.»^۲

و امام هشتم (ع) در حدیثی طولانی نقل شده است که خطاب به ریان بن سبب فرمود: «ای پسر شیب! اگر دوست داری که در درجاتِ اعلای بهشت با ما باشی در ندوه و شادی ما شریک باش و ملازم با ولایت ما باش...»^۳

و نیز از امام هشتم (ع) نقل شده که فرمود: «هر کس مصیبت ما را یاد کند و برای آنچه به ما کردند، گریه نماید روز قیامت در درجه‌ای ما باشد. و هر کس که یاد از مصیبت ما کند و گریه نماید و دیگران را بگریاند، در روزی که دیده‌ها گریان است، چشمش گریان نمی‌شود و هر کس در مجلسی نشیند که ترویج ما باشد، روزی که دلها می‌میرد، او دل زنده باشد.»^۴

و نیز بکر بن محمد ازدی نقل می‌کند: امام صادق (ع) به فضیل فرمود: «آیا دور هم می‌نشینید و نقل حدیث می‌کنید؟ عرض کرد: آری فدایت

۱. مستند احمد حنبل ج ۶ ص ۳۸۷ و القدیر ج ۲ ص ۷ طبق همان نقل.

۲. القدیر ج ۲ ص ۷ طبق همان نقل.

۳. ترجمه‌ی نفس المهموم ص ۵۴.

۴. ترجمه‌ی نفس المهموم ص ۵۴.

شوم؛ امام علیه السلام فرمود: هر کس حدیث (سرگذشت) ما را یاد کند یا نزد او یاد شود و به اندازه بالِ مگسی از چشمش اشک آید، خداوند گناهانش را ببامرزد، اگر چه بیش از کفِ دریا باشد.^۱

روایات در این زمینه بسیار فراوان است.

اما فلسفه‌ی عزاداری برای اهل‌بیت علیهم السلام

حضرت آیة‌الله العظمی امام خمینی رهبر کبیر انقلاب اسلامی ایران (قدس الله نفسه الزکی) درباره فلسفه‌ی عزاداری، به قیام حضرت اباعبدالله الحسین علیه السلام اشاره کرده می‌فرماید: «امام حسین علیه السلام با عده کم، همه چیزش را فدای اسلام کرد. معادل یک امپراطوری بزرگ ایستاد و «نه» گفت، هر روز باید در هر سال این «نه» محفوظ بماند، و این مجالسی که هست، مجالسی است که، ببال همین است که این «نه» را محفوظ بدارد، دسته‌هایی که بیرون می‌آید مقابل مقام قیام کرده‌اند، اینها را باید حفظ کنید!

بازیتان ندهند این قلم فرسها، بازیتان ندهند این استغاثی که با اسماء مختلفه و با مرامهای انحرافی می‌خواهند همه چیز را در دستشان بگیرند، اینها خیانتکارند.

اگر روشنفکران ما فهمیده باشند که این مجالس و این دعاها و این ذکرها و این مجالس مصیبت، جنبه سیاسی، اجتماعی‌اش چیست، نمی‌گویند که برای چه، اینکار را بکنیم، تمام روشنفکرها و تمام

غریزده‌ها و تمام قدرتمندها، اگر جمع بشوند، نمی‌توانند، یک پانزده خرداد را ایجاد کنند، ما با همین گریه‌ها یک قدرت دوهزار و پانصد ساله را از بین بردیم».

ملت ما قدر این مجالس را بدانند مجالسی است که زنده نگه می‌دارد ملت‌ها را، در ایام عاشورا زیاد و زیاده‌تر و در سایر ایام هم، غیر این ایام متبرکه، هفته‌هاست و جنبش‌های اینطوری هست.

اگر سیاست‌مداران اینها را اینها (غریزده‌ها) بفهمند، همان غریزده‌ها هم مجلس را به پا می‌کنند و عزاداری می‌کنند، اگر چنانچه ملت را بخواهند و کشور خودشان را بخواهند، من امیدوارم که هر چه بیشتر و هر چه بهتر این مجالس برپا شود و از خطبای بزرگ و آن نوحه خوان در این تأثیر دارد. آن که ایستاد پای منبر چند شعر می‌گوید و چند شعر می‌خواند با آنکه در منبر است و خطیب است اینها هر دو در این مسأله تأثیر دارد اگر چه بعضی اشخاص هم بدانند دارند چه می‌کنند.^۱

و نیز می‌فرماید: «شما انگیزه‌ی این کار و این اجتماع در مجالس روضه را خیال نکنید که فقط این است که ما گریه کنیم برای سیدالشهداء (ع)، نه سیدالشهداء (ع) احتیاج به این گریه‌ها دارد و نه این گریه خودش فی نفسه یک کاری از آن می‌آید، لکن این مجلس‌ها مردم را همچو مجتمع می‌کند، و یک وجهه می‌دهند، سی میلیون، سی و پنج میلیون جمعیت در دو ماه محرم و صفر و خصوصاً دهه‌ی عاشورا، یک وجهه، یک طرف راه می‌روند، بیخود بعضی از ائمه‌ی ما (ع)

نمی‌فرمایند که برای من در منابر روضه بخوانید، بیخود نمی‌گویند
ائمه‌ی ما علیهم‌السلام به اینکه هر کس که بگیرد، یا بگریاند، یا صورت گریه
کردن به خودش بگیرد، اجرش فلان است و فلان است، مسأله،
مسأله‌ی گریه نیست، مسأله‌ی تباهی نیست، مسأله‌ی سیاسی است که
ائمه ما با همان دید الهی که داشتند، می‌خواستند که این ملت‌ها را با هم
بسیج کنند، یکپارچه کنند، از راههای مختلف، اینها را یکپارچه کنند تا
آسیب‌پذیر نباشند.^۱

امام عارف و حکیم نورالله مرقدہ در توضیح دیگری در فلسفه‌ی
عزاداری به درس آموزی از قبل کربلا اشاره کرده و می‌فرماید:

«سیدالشهداء علیه‌السلام و اوصیای او و اهل بیت او آموختند تکلیف را،
فداکاری در میدان، تبلیغ در خارج میان، همان مقداری که فداکاری
حضرت ارزش پیش خدای تبارک و تعالی دارد و در پیشبرد نهضت
حسین سلام الله علیه کمک کرده است خط و راه حضرت سجاد علیه‌السلام و
حضرت زینب علیه‌السلام هم به همان مقدار یا قریب آن مقدار تأثیر داشته است.
آنها به ما فهماندند که در مقابل جائز، در مقابل حکمت و نور نباید
زن‌ها بترسند و نباید مردها بترسند.

در مقابل یزید، حضرت زینب سلام الله علیه ایستاد و آن را
همچون تحقیر کرد که بنی‌امیه در عمرشان همچون تحقیری نشده
بودند و صحبت‌هایی که در بین راه و در کوفه و شام کردند و منبری که
حضرت سجاد سلام الله علیه رفت...» (صحیفه‌ی نور ج ۱۷ ص ۵۹).

۱. همان ج ۱۳ ص ۱۵۳ (بیانات امام رضوان الله تعالی علیه) در جمع و غاظ و خطبای مذهبی ۵۹/۸/۱۴.

عظمت پاداش عزاداری برای اهل بیت (ع)

حضرت امام امت و یگانه‌ی عصر خمینی کبیر اعلی الله مقامه الشریف در این باره می‌فرماید: عمق ارزش مجلس‌های عزاداری کم معلوم شده است، و شاید پیش بعضی هیچ معلوم نشده است.

اینکه در روایات ما برای یک قطره اشک برای مظلوم کربلا آنقدر ارزش قائلند، نه از باب این است که سید مظلومان (ع) احتیاج به این کار دارد و نه این است که فقط برای ثواب بردن شما و مسلمین شما باشد، گرچه همه ثوابها هست، لکن چرا این ثواب را برای این مجالس عزاداری آنقدر عظیم قرار داده است و چرا خداوند تبارک و تعالی برای اشک و حتی یک قطره اشک و حتی یک اشک، آنقدر ثواب داده است؟ کم کم این مسأله از دید سیاسی‌اش معلوم می‌شود و انشاء الله بعدها بیشتر معلوم می‌شود. اینک برای عزاداری، برای مجالس عزاداری، برای نوحه خوانی، برای اینها اینهمه ثواب داده شده است. علامه بر آن امور عبادیش و روحانیش، یک مسأله مهم سیاسی در کار بوده است که ائمه‌ی ما (ع) در صدر اسلام نقشه‌اش را کشیده‌اند که تا آخر باشد و از این اجتماع تحت یک بیرق، اجتماع تحت یک ایده، سازمان دهی به یک گروه قاتل در مقابل آن اکثریتها و در طول تاریخ.^۱

رهبر حکیم انقلاب (ع) در جای دیگر درباره فلسفه‌ی عظمت ثواب گریه کردن در مصیبت حضرت ابا عبد الله الحسین (ع) می‌فرماید: «اینکه

۱. بیانات امام ۱ در جمع گروهی از علماء ائمه جماعات و روحانیون و وعاظ قم و تهران، صحیفه‌ی نور

در روایت هست که کسی گریه کند یا بگریاند، یا به صورت گریه‌دار خودش را بکند، این جزایش بهشت است، این برای این است که حتی آنی که صورتش را یک حالت حزن به خودش می‌دهد و صورت گریه‌دار به خودش می‌دهد، این نهضت را دارد حفظ می‌کند، این نهضت امام حسین (علیه السلام) را حفظ می‌کند.

حالا یک دسته‌ای آمده‌اند، می‌گویند که نه، دیگر روضه نخوانید، نمی‌فهمند اینها که روضه یعنی چه، اینها ماهیت این عزاداری را نمی‌دانند چیست. نمی‌دانند که این نهضت امام حسین (علیه السلام) آمده تا اینجا تا این نهضت (انقلاب اسلام ایران) را درست کرده است، این یک شعاعی است از آن نهضت.^۱

بعد از استضائه از فرمایشات نورانی حکیم بی نظیر عصر حضرت امام خمینی (ره) در فلسفه‌ی عزاداریها علت عظیم قرار داده شدن اجر و ثواب این اعمال، یادآوری و تذکر چند مطلب حالی از فایده نخواهد بود (انشاء الله)

مطلب اول: مصیبت حضرت زهرا (علیها السلام) مادر مصائب

همانطوریکه حضرت زهرا (علیها السلام) مادر امامان (علیهم السلام) است، ذکر و یاد و نام و مجالس آن حضرت، مخصوصاً ذکر مصائبش، مادر مصائب است و باید مورد عنایت و توجه ویژه قرار گیرد، زیرا انعقاد اصل نطفه‌ی گمراهی در مدینه بوده و حضرت فاطمه (علیها السلام) در راه مبارزه با آن، جان

عزیزش را فدا کرده است، به همین جهت ترسیم آن وقایع جانسوز می تواند چراغ راهی برای آیندگان باشد و باعث گردد که بدانند، غاصبان حکومت چه ویژگی هایی داشته اند و برای هموار کردن راه حکومت و دست یازیدن به آن، تا چه مراحل پیش رفته اند، که انصافاً در این مجالس و محافل عزاداری و در لابه لای احادیث و روایات و درد دلها و در اشعار مرثیه ای منسوب به معصومین (ع) علامتی بر سر راه آیندگان گذاشته اند. برده از روی واقعیات و نیت افرادی که به نام اسلام حاکم گردیدند، بررسی دارند که این روشنگری ها و افشاگری ها می تواند حقیقت جویان را به سمت مقصود برساند، و بهترین جای طرح و تبیین این مسائل ایام دهه ی فاطمه (ع) شهادت حضرت زهرا (ع) می باشد.

مطلب دوم: مسئله ی وحدت و مسئله ی بیان واقعیات تاریخی

مسئله ی وحدت بین مسلمین بیان واقعیات تاریخی دو مسئله ی کاملاً از هم جدا و مستقل می باشند و هر یک در جای خودش واجب و لازم است.

همانطوریکه تمسک مسلمین به اصول مشترک (که بسیار فراوان است) و حرکت در مسیر آن می تواند، سدّی محکم در مقابل دشمنانی که در کمین اصل اسلام و قرآن نشسته اند، باشد، و این یک تکلیف عقلی و شرعی است، «و معنای وحدت همین می باشد». نقل و تبیین مسائل تاریخی که باعث روشنگری در طول تاریخ می گردد، نیز تکلیفی دیگر است که غفلت از آن خیانتی بزرگ به اسلام و مسلمین

می باشد، به همین جهت مُنادی بزرگ وحدت میان شیعه و سنی، یعنی حضرت امام خمینی علیه السلام با تبعیت از بنیانگذار وحدت یعنی حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام «در خطبه‌ی ششقیه‌ی نهج البلاغه^۱ که نقاب از چهره‌ی واقعی خلفای ثلاثه بالا زده و با صراحت رسوایشان می سازد»، در مقدمه‌ی وصیت نامه‌ی سیاسی و الهی خود به هدایت گری پرداخته و با یاد آوری حدیث متواتر ثقلین^۲، با صراحت می فرماید: «و ذکر این نکته لازم است که حدیث ثقلین متواتر بین جمیع مسلمین است در کتب اهل سنت از صحاح ششگانه تا کتب دیگر آنان با الفاظ مختلفه و موارد بکره از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به طور متواتر نقل شده است و این حدیث شریف حجتی قطع است بر جمیع بشر، بویژه مسلمانان مذاهب مختلف و باید همه مسلمانان که تحت پرچم آن امام است جوابگوی آن باشند و اگر عذری برای جاهلان بی خبر باشد، رای علمای مذاهب نیست...

خود خواهان و طاغوتیان، قرآن کریم و آشنایان به حقایق را که سراسر قرآن را از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله دریافت کرده بودند و از آن ائمه تبارک فیکم الثقلین درگوششان بود با بهانه‌های مختلف و توطئه‌های از پیس طرح شده آنان را

۱. خطبه‌ی سوم نهج البلاغه، (ترجمه این خطبه در فصل دوم، در غالب شکوه‌های حضرت امام حسین علیه السلام آورده شده است).

۲. قال رسول الله صلی الله علیه و آله: ائمة تبارک فیکم الثقلین. کتاب الله و عترتی، اهل بیته فینهما من یقتربا حتی یردوا علی الخوض.

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: من از میان شما می روم و دو چیز گرانبها در میان شما می گذارم یکی کتاب خدا (قرآن) و دیگری عترتم که همان اهل بیت علیهم السلام من می باشد. بدانید که این دو (قرآن و عترت) هرگز از هم جدا نمی شوند. تا اینکه در روز قیامت در کنار حوض کوثر بر من وارد شوند. (اولین جملات از وصیتنامه سیاسی و الهی امام امت قدس سره)

عقب زده و با قرآن در حقیقت قرآن را که برای بشریت تا ورود به حوض کوثر، بزرگترین دستور زندگانی مادی و معنوی بود و هست، از صحنه خارج کردند و... انحراف از دین خدا و کتاب و سنت الهی را پایه گذاری کردند، تا کار به جایی رسید که قلم از شرح آن شرمسار است و هر چه این بنیان کج به جلو آمد کجی ها و انحرافها افزون شد.^۱

بنابراین، ندای وحدت بین مسلمین، مانع از بیان واقعیات تاریخی نیست. بازگو نکردن تاریخ در دراز مدت به تحریف تاریخ و فراموشی واقعیات حوامل انجامید و آیا خیانتی بالاتر از این به آیندگان قابل تصور می باشد؟

و آیا واقعیتهای بالاتر از امامت و جانشینی رسول الله ﷺ وجود دارد؟ امامتی که به تصریح قرآن، با ابلاغ آن، اسلام دین مرضی و کامل الهی گردید، و بدون آن، رسالت حضرت پیامبر ﷺ ناتمام بلکه انجام نشده تلقی می گردید.^۲

حضرت زهرا (علیها السلام) به خاطر درک عظمت این واقعه، جان خود را با سخاوت تمام میان دستان خود گرفته و تا آخرین نفس به دفاع از امامت پرداخته و بالاخره به همراه محسن شش ساله اش (علیه السلام) در این راه به فیض شهادت نائل می گردد.

به همین جهت برای روشن شدن وقایع و اتفاقات پس از رحلت رسول خدا ﷺ ایام فاطمیه بهترین فرصت برای روشن گری در این

۱. بخشی از مقدمه و ویسنامه سیاسی و الهی حضرت امام خمینی (ره).

۲. آیدی ۳ مائده.

زمینه است، که در سایه‌ی فرمایشات و موضع‌گیری‌های صریح پاره‌ی تن رسول الله ﷺ و مصداق بارز انما یرید الله، می‌توان نقاب از چهره‌ی نفاق برداشت.

خطبه‌ها و احادیث حضرت زهرا علیها السلام بعنوان انسانی که به مصداق آیه‌ی «تطهِّر»^۱ معصوم و عاری از هرگونه رجس و پلیدی می‌باشد، می‌تواند، عَجَب را بر مسلمین تمام گردانیده و راه را از بیراهه بنمایاند، و اساس انحراف و کجی را افشا و زمینه‌ی ریشه کن شدن آنرا بوسیله‌ی آیندگان فراهم نماید.

به همین جهت برگزیده‌ی ایام دهه‌ی فاطمیه و سالروز شهادت حضرت صدیقه‌ی کبری علیها السلام بسیار باارزش و اهمیت است، و اقامه‌ی مراسم باشکوه روضه خوانی و سخنرانی و عزاداری و سینه زنی در این ایام دارای پیامی به مراتب مهمتر از پیام مجلس عزاداری دیگر است.

متأسفانه در اثر مسامحه‌ی خطبا و گویندگان و نویسندگان، اهمیت گرامی داشت ایام فاطمیه، مورد غفلت قرار گرفته است و حق آن به هیچ وجه ادا نگردیده است، البته راه و زمان جبران، باقی است، راه همان است که در ایام ماه محرم و صفر آزموده شده و طی گردیده است، گویندگان و نویسندگان و شاعران، باید بسیج شوند و مؤمنین با تدریس توان، مخصوصاً با نذر و وقف، ویژه‌ی ایام فاطمیه، وارد میدان گردند، خدا رحمت کند کسی را که تصمیم بگیرد در هر دو دهه‌ی ایام فاطمیه^۲

۱. آیه‌ی ۳۳ احزاب.

۲. سیزدهم جمادی الاول تا سوم جمادی الثانی.

خود و اهل و عیالش را به علامت عزادار بودن، سیاهپوش نماید و پرچم عزرا را بر درب و بام خانه‌اش برافراشته و خاندان و فرزندان را بر این عمل سفارش و وصیت نماید.

خدا رحمت کند کسانی را که قدرت مالی خود را در خدمت ایام فاطمیه قرار دهند و با نذر و وقف و وصیت و... این چراغ را در هر دو دهی فاطمیه روشن نمایند.

خدا رحمت کند کسانی را که در ایام فاطمیه و در تمام مجالس ذکر مصیبت حضرت زهرا (ع) با صدای بلند گریه می‌نمایند و با فریاد رسای اشک به ندای کمک خواهی آن حضرت لبیک می‌گویند، و فرزندان و اهل و عیالش را نیز بر این مبارزه سفارش می‌نمایند.

مطلب سوم، تولی و تبری و صلوات و لعن

در آیات بسیار متعددی از قرآن کریم و روایات بسیار فراوانی از رسول خدا (ص) و ائمه اطهار (ع) و امامان الهی دوستی با دوستان خدا و رسول خدا (ص) و عترت طاهرینش (ع) و دشمنی با دشمنانشان، با تأکیدات فراوان و عبارات گوناگون مورد توجه قرار گرفته است.

صلوات و درود بر محمد و آل محمد (ص) از مظاهر روشن تولی و لعن و نفرین بر دشمنانشان از مظاهر روشن تبری می‌باشد، که متأسفانه مسلمین به این دو اصل مهم که مکمل یکدیگرند، به طور مساوی، عمل نکرده‌اند و علت اساسی در این بی توجهی، غفلت از تأثیرات بسیار عمیق سیاسی، اجتماعی، و تبلیغی و تربیتی این دو مسأله

میباشد، البته مسأله‌ی صلوات بر رسول خدا و عترت طاهرینش علیهم‌السلام تا اندازه‌ای مورد توجه قرار گرفته است ولی رکن دیگر، که لعن و نفرین بر دشمنان آنان است به فراموشی سپرده شده یا بسیار کم رنگ گردیده است. به همین جهت، مناسب است در اینجا به مسأله‌ی لعن و نفرین از دیدگاه قرآن کریم و روایات، نگاهی بیان‌داریم و سپس به فلسفه‌ی این لعن و نفرین اشاره نماییم.

راستی، چرا خداوند رحمن و رحیم و کریم و رؤف و حکیم و... در غالب آیات بسیار زیادی در قرآن کریم آزاردهندگان به رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و کافران و مفسدان و راهزنان عقیدتی و... را با شدت و تأکید مورد لعن و نفرین قرار داده است؟^۱

آیات لعن و نفرین :

بخاطر اینکه آیات شریفه بسیار زیاده است، در هر آیه‌ای فقط همان قسمت مورد نظر ذکر می‌گردد.

احزاب ۵۷: **إِنَّ الَّذِينَ يُؤْذُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ لَعَنَهُمُ اللَّهُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَأَعَدَّ لَهُمْ عَذَابًا مُهِينًا.^۱**

بقره آیه ۱۵۹: **إِنَّ الَّذِينَ يَكْتُمُونَ مَا أَنْزَلْنَا مِنَ الْبَيِّنَاتِ وَالْهُدَى مِنْ بَعْدِ مَا بَيَّنَّاهُ لِلنَّاسِ فِي الْكِتَابِ أُولَئِكَ يَلْعَنُهُمُ اللَّهُ وَيَلْعَنُهُمُ اللَّاعِنُونَ.^۲**

۱. آنها که خدا و پیامبرش صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم را آزار می‌دهند، خداوند آنان را در دنیا و آخرت لعنت نموده (و از رحمت خود دور ساخته است) و برای آنها عذاب خوارکننده‌ای آماده کرده است.

۲. کسانی که دلایل روشن، و وسیله‌ی هدایتی را که نازل کرده‌ایم کتمان کنند، خدا آنها را لعنت می‌کند، و همه‌ی لعن‌کنندگان نیز آنان را لعن می‌کنند.

مائده آیه ۱۳: فِيمَا نَقُضُهُمْ هِيَا فَهُمْ لَعْنُهُمْ و...

از آنجا که این مطالب بعنوان مقدمه بر کتاب ارائه می گردد، تفصیل و تطویل سزاوار نیست به همین جهت و نیز به علت فراوان بودن آیات شریفه، از آوردن متن تمام آیات شریفه مورد نظر خودداری نموده و به ذکر نام سوره های مربوطه و شماره آیات شریفه، اکتفاء می شود.

(احزاب ۶۴) و (اعراف ۳۸) و (نساء ۴۷) و (نساء ۹۳) و (نساء ۱۱۸) و (مائده ۶۰) و (بقره ۸۸) و (نساء ۴۶) و (نساء ۵۲) و (توبه ۶۸) و (محمد ۲۳) و (فتح ۶) و (احکام ۲۵) و (بقره ۸۹) و (احزاب ۶۸) و (مائده ۷۸) و (مائده ۶۴) و (نور ۱۱) و (بقره ۱۶۵) و (آل عمران ۶۱) و (آل عمران ۷۸) و (اعراف ۴۴) و (هود ۱۸) و (سود ۱) و (هود ۹۹) و (رعد ۲۵) و (هجر ۳۵) و (نور ۷) و (قصص ۴۲) و (غافر ۵۲) و (احزاب ۷۸) و (احزاب ۶۱) و (اسراء ۶۰).

لعن و نفرین در روایات:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: مَنْ تَأْتَمَّ أَنْ يَلْعَنَ مَنْ يَأْتُمُّهُ اللَّهُ فَعَلَيْهِ لَعْنَةُ اللَّهِ.

رسول خدا ﷺ فرمود: «کسی که احساس گناه کند از لعن کردن بر

شخصی که خدا او را لعن کرده است، پس لعنت خدا بر او باد»^۱.

قال رسول الله ﷺ: «...إِنَّ مِنْ عَظِيمٍ مَا يَتَقَرَّبُ بِهِ خِيَارُ أَمْلَاكِ الْحُجُبِ

وَالسَّمَاوَاتِ، الصَّلَاةُ عَلَى مُحَبِّبِنَا أَهْلِ الْبَيْتِ وَاللُّغْنُ لِشَانَيْنَا.»

رسول خدا ﷺ فرمود: «.... بدرستی که بالاترین چیزی که باعث تقرب به

۱. ولی بخاطر پیمان شکنی، آنها را لعنت کردیم.

۲. رجال کشی ج ۲ ص ۸۱۱ رقم ۱۰۱۲ - بحار ج ۲۵ ص ۳۱۹.

خداوند برای بهترین ملائکه‌ی حجب و آسمانها می‌شود، درود فرستادن بر دوستان اهل بیت علیهم‌السلام و لعن بر دشمنان اهل بیت علیهم‌السلام است.^۱

و نیز از حضرت علی علیه‌السلام نقل شده که فرمود: «والله اگر این اَمّت با پای برهنه روی خاک بایستند در حالی که بر سر خود خاکستر ریخته باشند و گریه وزاری کنند و لعنت بر کسانی کنند که آنها را گمراه کرده‌اند و راه خدا را بسته‌اند و مردم را به سوی جهنّم خوانده‌اند و... باز این اَمّت در لعن و بی‌زاری تقصیر دارند».^۲

در نقلی دیگر شیخ ابوالحسن مرنندی از مرحوم شیخ حرّ عاملی (صاحب کتاب وسائل الشیعه) آورده است:

حضرت امیرالمؤمنین علیه‌السلام در حال طواف کعبه بود مردی پرده خانه کعبه را گرفته و صلوات بر محمد و آل محمد علیهم‌السلام می‌فرستاد. حضرت علی علیه‌السلام بر او سلام نمود. دفعه‌ی دوم حضرت او را دید و ولی سلام نکردند، آن مرد عرض کرد، یا امیرالمؤمنین علیه‌السلام! چرا این بار به من سلام نکردید؟! حضرت علی علیه‌السلام فرمود: نخواستم تو را از ذکر لعن که این بار می‌گویی باز دارم. چرا که ثواب لعن، از ثواب صلوات بر محمد و آل محمد علیهم‌السلام بالاتر است.^۳

در نقلی دیگر چنین آمده که: به حضرت امام صادق علیه‌السلام گفته شد که شخصی شما را دوست دارد ولی در تبرّی و اعلام بیزاری از دشمن شما ضعیف است، حضرت امام صادق علیه‌السلام در جواب فرمود: «هَيْهَاتَ كَذِبٍ مِّنْ ادْعَىٰ مَحَبَّتَنَا وَلَمْ يُتَبَرَّءَ مِنْ عَدُوِّنَا؛ هرگز، دروغ می‌گوید هر کس

۱. تفسیر الامام ص ۲۹۵. بحار الانوار ج ۶۸ ص ۳۷ حدیث ۷۹.

۲. بحار الانوار ج ۳۰ ص ۱۲۶ از اسرار آل محمد علیهم‌السلام.

۳. مجمع الثورین و ملتقى البحرين ص ۲۰۸.

که ادعا کند دوست ماست ولی از دشمنان ما بیزاری نجوید.»^۱

در حدیث دیگر حضرت امام هشتم علیه السلام فرمود:

«كَمَالُ الدِّينِ وَلَايَتُنَا وَالْبِرَاءَةُ مِنْ عَدُوِّنَا»؛

«کمال دین در ولایت و پیروی از ما و بیزاری از دشمن ماست»^۲

و بالاخره حضرت امام صادق علیه السلام فرمود: «مَنْ شَكَّ فِي كُفْرِ أَعْدَائِنَا

و الظَّالِمِينَ لَنَا فَهُوَ كَافِر»

«هر کس در کافر بودن دشمنان ما و کسانی که به ما اهل بیت علیهم السلام ظلم

کرده اند شک داشته باشد، خودش کافر است».^۳

و روایات از این قبیل فراوان است که مجال پرداختن به آن در اینجا

نیست.

فلسفه لعن و نفرین

چرا خداوند متعال که ارحم الراحمین است و اهل بیت عصمت و

طهارت علیهم السلام که معدن رحمتند، با این لحن تکرار و تأکید، بر مسأله‌ی

لعن و نفرین بر کفار و ظالمین و مفسدین و ستمگران راه اسلام

راستین، و در یک جمله بر دشمنان خدا و رسول و عزیزان و ماهرینش علیهم السلام

اصرار می‌ورزند؟! طبیعی است خداوندی که حکیم است و اهل

بیت علیهم السلام که معدن حکمت الهی هستند کاری بدون دلیل و فلسفه انجام

نداده و آنرا ترویج نمی‌نمایند، به همین جهت این لعن و نفرینها حتماً

۱. بحار الانوار ج ۲۷ ص ۵۸ حدیث ۱۸.

۲. بحار الانوار ج ۲۷ ص ۵۸ حدیث ۱۹.

۳. اعتقادات الصدوق باب الاعتقاد فی الظالمین ص ۱۰۳ و بحار الانوار ج ۸ ص ۳۶۶ و ج ۲۷ ص ۶۲.

دارای فلسفه و علتی می باشد.

حکمت مهم و شاید تنها علت این حکم این است که: خداوند متعال و رسول گرامی و عترت پاکش علیهم السلام با این حکم یک بسیج عمومی به بلندای سراسر تاریخ بر ضدّ جبهه‌ی باطل سامان داده‌اند و ضمن بر حذر داشتن افکار عمومی از میل و رغبت به افعال و کردار اهل باطل، به تقویت جبهه‌ی حق و مستحکم کردن جبهه‌ی باطل اقدام نموده‌اند و در واقع با این لعن و نفرینها تظاهراتی عمومی و مستمری به طول عمر دنیا را بر ضدّ دشمن سازمان داده‌اند تا بدینوسیله بر حجم کفر و ضلالت را که نسلی بعد از نسلی بدست فرعونهای هر عصری بافته می شود، بالاخره سرنگون نموده و توده‌ی مردم را از روی آوردن و جذب شدن به جبهه‌ی باطل منع نمایند.

بنابراین مسأله‌ی لعن و نفرین بر دشمنان خدا و اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام یک مسأله‌ی احساساتی نیست بلکه مسأله‌ای کاملاً حکیمانه و مدبرانه و عقلانی است که از دریای بی کرا و رحلی سرچشمه می گیرد. و دارای آثار بسیار مهم و قوی در صحنه‌ی اجتماع بوده و بر واقع حکمی الهی و عبادی و سیاسی اجتماعی و تربیتی و تبلیغی می باشد. و بر فقید حکیم و تیزبین انقلاب حضرت آیه الله العظمی امام خمینی علیه السلام الشریف، در وصیت نامه‌ی سیاسی و الهی خود با تأکید بر اهتمام و جدیت در انجام مراسم لعن و نفرین بر دشمنان آل‌البیت علیهم السلام می فرماید:

«و بدانند آنچه دستور ائمه علیهم السلام برای بزرگداشت این حماسه‌ی تاریخی اسلام است و آنچه لعن و نفرین بر ستمگران آل‌بیت علیهم السلام است، تمام، فریاد قهرمانانه ملت‌هاست بر سرمداران ستم پیشه در طول

تاریخ إلى الأبد. ومی دانید که لعن و نفرین و فریاد از بیداد بنی امیه لعنت الله علیهم با آن که آنان منقرض و به جهنم رهسپار شده‌اند، فریاد بر سر ستمگران جهان و زنده نگهداشتن این فریاد ستم شکن است و لازم است در نوحه‌ها و اشعار مرثیه و اشعار ثنای از ائمه حق (علیهم السلام) به طور کوبنده فجایع و ستمگریهای ستمگران هر عصر و مصر یادآوری شود و در این عصر که عصر مظلومیت جهان اسلام به دست آمریکا و شوروی و سایر وابستگان به آنان و از آن جمله آل سعود این خائنین به حرم زیارت عاشورا لعنت الله و ملائکت و رُسُلُه علیهم است، به طور کوبنده یادآوری و لعن و نفرین شود. و همه باید بدانیم که آنچه موجب وحدت بین مسلمین است این مراسم سیاسی است که حافظ ملیت مسلمین بویژه شیعیان است. اثنا عشر «علیهم صلوات الله وسلم» است.^۱

مطلب چهارم: زیارت عاشورا اوج تولی و تبری

اگر چه مناسب بود که حدیث شریف زیارت عاشورا تحت عنوان مطلب قبل مطرح گردد ولی به جهت اهمیت بسیار بالای آن، تحت عنوان مستقل نکاتی ارائه می‌گردد.

خداوند متعال برای خواندن زیارت عاشورا ثوابی بسیار بزرگی مقرر فرموده است، بطوری که حضرت امام باقر (ع) پس از تعلیم زیارت عاشورا به علقمه بن محمد حضرمی می‌فرماید: «پس هنگامی که این زیارت را خواندی در حقیقت او را به چیزی خواندی که هر کس از

۱. بخش پایانی مقدمه و وصیتنامه سیاسی و الهی امام خمینی (اعلی الله مقامه الشریف).

ملائکه که بخواهد او را (امام حسین علیه السلام) زیارت کند به آن می خوانند، و خداوند برای تو هزار هزار حسنه می نویسد و از تو هزار هزار گناه محو می کند و تو را هزار هزار درجه بالا می برد و جزو کسانی می باشی که در رکاب آن حضرت به شهادت رسیدند، حتی در درجات آنها نیز شریک می شوی برای تو ثواب هر پیامبر و رسولی و هر کس که امام حسین علیه السلام را زمان شهادتش تا به حال زیارت کرده می نویسند...»^۱

زیارت عاشورا - آوردن حاجات مشروعه نیز بسیار مؤثر می باشد. حضرت امام صادق علیه السلام در این باره خطاب به صفوان می فرمایند: «زیارت عاشورا را بخوان و آن مواظبت کن (زیاد بخوان و ترک نکن) زیرا من چند چیز را برای خواننده آن تضمین می کنم:

- ۱- زیارتش قبول می شود.

- ۲- سعی و کوشش او مشکور (و با ثواب الهی همراه) می باشد.
- ۳- حاجات او هر چه باشد از طرف خداوند بزرگ بر آورده می شود و ناامید از درگاه خداوند بر نمی گردد...»^۲

آثار و برکات زیارت عاشورا به اندازه ای برای مسلمانان و بزرگان مشهود گردیده است که بسیاری از آنان قرائت آنرا جزء اعمال روزمره خود ساخته اند و مشکلات دنیوی و اخروی خویش را با آن برطرف نموده اند و حکایات در این باره بسیار فراوان است که بعنوان نمونه به یک مورد اشاره می شود.

۱. کامل الزیارات ص ۷۴ طبق نقل، آثار و برکات زیارت عاشورا، عباس عزیزی ص ۸-۷.

۲. بحارالانوار ج ۹۸ ص ۳۰۰ طبع بیروت، طبق همان نقل ص ۱۰-۹.

فرزند برومند آیه الله علامه امینی (رضوان الله تعالی علیه) آقای دکتر محمد هادی امینی می نویسد:

پس از گذشت چهار سال از فوت مرحوم آیه الله العظمی علامه امینی نجفی پدر بزرگوارم، مؤلف کتاب الغدير... شب جمعه ای قبل از اذان فجر وی را در خواب دیدم، او را شاداب و خرسند یافتم... جلو رفته پس از سلام و دست بوسی، عرض کردم: پدر جان! در آنجا چه عملی باعث سعادت و نجات شما گردید؟

فرمود: چه می گویی؟ مجدداً عرض کردم، آقا جان! در آنجا که اقامت دارید، کدام عمل موجب نجات شما شد، کتاب الغدير... یا سائر تألیفات... یا تأسیس و بناد کتابخانه امیرالمؤمنین (ع)...

«مرحوم علامه امینی... درنگ و تأمل نمودند. سپس فرمودند: فقط زیارت ابی عبدالله الحسین (ع)، عرض کردم: شما می دانید اکنون روابط بین ایران و عراق تیره و تار است و راه کربلا بسته، چه کار...»

فرمود: در مجالس و محافلی که جهت عزاداری امام حسین (ع) بر پا می شود شرکت کن، ثواب زیارت امام حسین (ع) به تو می دهند، سپس فرمودند: پسر جان! در گذشته بارها تو را یادآور ساختم و اکنون، تو توصیه می کنم که زیارت عاشورا را هیچ وقت و به هیچ عنوان ترک و فراموش مکن، مرتباً زیارت عاشورا را بخوان و بر خودت وظیفه بدان، این زیارت دارای آثار و برکات و فوائد بسیاری است که موجب نجات و سعادت مندی در دنیا و آخرت تو می باشد...»^۱

مطلب پنجم:

ترویج حق و مقابله با باطل با تمام قدرت و امکانات

برای ترویج دین خدا و تقویت جبهه‌ی حق و ست نمودن تکیه‌گاه‌های جبهه‌ی باطل، باید از تمام قدرت و امکانات و راه‌های مشروع استفاده نمود، و نباید هیچ وسیله‌ای کوچک به حساب آورده شود. در این مسیر ابزار و امکانات و راه‌های بسیار ساده ولی فوق العاده مؤثر وجود دارد که متأسفانه به جهت آسان بودن، گاهی مورد غفلت قرار می‌گیرد. از عبارات است از اظهار دوستی و محبت به اهل بیت و طهارت علیّه (ع) عنوان پرچمداران و محافظان دین الهی، و اظهار دشمنی و اعلام بیزاری با دشمنان، البته، روشن است که اظهار دوستی و اظهار دشمنی غیر از وجود دوستی و دشمنی در درون قلب است. محبت و دشمنی قلبی مهم است ولی آنچه در صحنه اجتماع به تقویت جبهه‌ی حق و تضعیف جبهه‌ی باطل کمک می‌کند، اظهار محبت نسبت به اهل بیت پیامبر ﷺ بعنوان منادان و محافظان دین الهی، و اظهار و اعلام بیزاری از دشمنان است.

البته این اظهار محبت و اظهار بیزاری به شکلهای مختلف امکان تحقق دارد که بعنوان نمونه و از باب تذکر به چند مورد اشاره می‌گردد.

۱- بر پایی جلسات قراءت زیارت عاشورا و زیارت جامعه کبیره و دعای ندبه و امثال آن.

۲- بر پایی جلسات ذکر صلوات بر محمد و آل محمد ﷺ و ذکر لعن بر دشمنان.

- ۳- اقامه‌ی مجالس جشن به مناسبت تولد هر یک از اهل بیت (علیهم السلام).
- ۴- اطعام نمودن مؤمنین و حتی غیر مؤمنین به مناسبت ایام سوگواری یا جشن اهل بیت (علیهم السلام).
- ۵- اقامه‌ی مجلس عزاداری در ایام شهادت هر یک از خاندان عصمت و طهارت (علیهم السلام) مخصوصاً ماه محرم و صفر، و ایام فاطمیه.
- ۶- پوشیدن لباس عزا حتی بر اطفال کوچک در ایام شهادت هر یک از اهل بیت (علیهم السلام).
- ۷- نصب علائم عزا بر درب منازل و بام‌خانه‌ها در ایام عزاداری اهل بیت (علیهم السلام).
- ۸- احترام به سادات به جهت انتسابشان به اهل بیت (علیهم السلام).
- ۹- وقف و وصیت اموال برای اقامه‌ی مجالس جشن و سوگواری اهل بیت (علیهم السلام).
- ۱۰- نام‌گذاری اطفال به نام مقدم اهل بیت و فرزندان ایشان (علیهم السلام).
- ۱۱- نوحه خوانی - سینه زنی - سرزدن شعر در مدح و مصیبت خاندان رسالت (علیهم السلام).
- ۱۲- تبریک و تسلیت گفتن به یکدیگر در ایام تولد و شهادت اهل بیت نبوت (علیهم السلام).
- ۱۳- برپایی مجالس عقد و عروسی در ایام تولد اهل بیت (علیهم السلام).
- ۱۴- پرهیز از برپایی مجالس عقد و عروسی در ایام شهادت، مخصوصاً ماه صفر و ماه محرم و ایام فاطمیه.

رعایت تمام این امور که اموری عبادی سیاسی و تربیتی می باشند، در تقویت جبهه‌ی حق و تضعیف جبهه‌ی باطل تأثیر بسیار شگفت‌انگیزی دارد.

و در بُعد فردی نیز هر کس علاقمند به حاکمیت و فراگیر شدن دین الهی و ترویج ذکر و نام حجت‌های الهی یعنی اهل بیت نبوت و رسالت علیهم‌السلام باشد باید در عمل، سیره و روش آن بزرگواران را در امور فردی خود از قبیل: نماز اول وقت، نماز به جماعت، نماز در مسجد، اهمیت به حلال و حرام و... رعایت نماید. چرا که حضرت امام صادق علیه‌السلام فرمودند: «يَا مَعْشَرَ الشَّيْعَةِ إِنَّكُمْ قَدْ نَسَبْتُمْ إِلَيْنَا، كُونُوا لَنَا زِينًا وَلَا تَكُونُوا عَلَيْنَا شَيْنًا... ما را بسیار زیاده‌اشما منسوب به ما هستید، برای ما موجب زینت باشد و موجب سرافکندگی ما نباشد.»^۱

مطلب ششم: چند نکته در باره کتاب حاضر

۱- در جمع‌آوری مطالب کتاب، مطلب مورد نظر، در هر بحثی، بصورت تلفیق از چند منبع برگزیده شده است و در پایان هر مبحث آدرس ارائه شده است.

۲- در ترجمه‌ی عبارات عربی از ترجمه‌ی تحت‌اللفظی پرهیز شده و در بیشتر موارد از ترجمه‌ی آزاد (البته با حفظ اصل و محتوای عبارات) استفاده شده که استفاده فراوان از کلمه‌های احترام‌آمیز مانند (حضرت)، (امام)، (علیه السلام) و... از همین قبیل است.

۳- معمولاً از ذکر نام مؤلفین و نام ناشرین در پاورقی پرهیز شده و در پایان کتاب تحت عنوان منابع کتاب آورده شده است.

۴- اجر معنوی کتاب، هدیه بر کسانی که قلبشان از محبت اهل بیت عصمت و طهارت (علیهم السلام) لبریز است، و با تمام وجود از دشمنان و منکرین فضائلشان تبری می جویند.

آنان که با شنیدن نام مبارک حضرت فاطمه زهرا (ع) ظرف قلبشان از آه می گردد و با لعن و نفرین بر قاتلانش بغض خود را خالی می کنند و بدینوسیله به خداوند تقرب می جویند.

امیدوارم همی آنان، مخصوصاً امام راحل عظیم الشان حضرت آیه الله العظمی خمینی (اعلی الله مقامه الشریف) و شهیدان در رکابش، و نیز پدر و مادر این شیر به حق و جبه، از اجر معنوی این کتاب بهره مند گردند، انشاء الله.

این کتاب در سوم شعبان سال ۱۳۸۳ (ه.ق) مصادف با سالروز تولد سرور و سالار شهیدان حضرت باعد الله الحسین (علیه السلام) و با رمز مقدس یا حسین (علیه السلام) ادراکنی آغاز و در آستانه شهادت مادر گرامی اش حضرت صدیقه کبری (علیه السلام) به پایان رسید.

الحمد لله رب العالمین
مؤلف